

طبقه‌بندی جریانهای رازی‌شناسی در ایران و غرب*

احد فرامرز قراملکی*

اهدا به استادان رازی‌شناسی

مهدی محقق و سید محمود طباطبایی

چکیده

محمدبن زکریای رازی طبیب و فیلسوف ایرانی مؤثر در تاریخ علم است. شناخت و نقد آثار و آرای این نام‌آور پرآوازه ایرانی موضوع پژوهشهای فراوانی از روزگاری تاکنون بوده است. این مقاله با تحلیل و مقایسه جریانهای رازی‌شناسی در تمدن ایران اسلامی و تمدن مغرب‌زمین به توصیف گوناگونی آنها از حیث روش و جهت‌گیری می‌پردازد. حاصل این مطالعه پیشنهاد طبقه‌بندی چهارگانه در رازی‌شناسی است: رازی‌شناسی سنتی در تمدن ایران از روزگار محمدبن زکریای رازی تا فخرالدین رازی، رازی‌شناسی سنتی در تمدن مغرب‌زمین در قرون وسطی، رازی‌شناسی جدید مغرب‌زمینیان، و مطالعات ایرانیان معاصر در آرا و آثار رازی.

* این مقاله از مطالعات در نظریه اخلاقی رازی با حمایت پژوهشگاه علوم انسانی استخراج شده است.

** استاد دانشگاه تهران

واژه‌های کلیدی: محمدبن زکریای رازی، اسماعیلیان، الحاوی، طب منصورى، طب روحانى.

بیان مسأله

محمدبن زکریای رازی (۲۵۱ق / ۸۶۵م-۳۱۳ق / ۹۲۷م) از مفاخر و نام‌آوران ایرانی است که تأثیر پر دامنه‌ای بر تاریخ علم داشته است. رازی‌شناسی به معنایی که در این مقاله مراد است، از روزگار وی آغاز شده است و تا کنون ادامه دارد. رازی پزشک خلاق و فیلسوف و نظریه‌پرداز خلاف‌آمد جریانهای رایج فلسفی و الهیاتی، و به همین دلیل از روزگار خود موضوع نقد و نظر بوده است. مراد از رازی‌شناسی در اینجا هر گونه مطالعه معطوف به آثار و آرای محمدبن زکریای رازی است و آن، شامل فعالیت‌های علمی چون فهرست‌نگاری آثار، ترجمه، تصحیح، نقد و ردیه‌نویسی، شرح و تلخیص، زندگی و احوال‌نامه‌نویسی می‌شود. موضوع مقاله حاضر گزارش رازی‌شناسی نیست؛ زیرا فراوانی مطالعات معطوف به رازی به حدی است که گزارش آنها در چنین نوشتاری نمی‌گنجد. مسأله این مطالعه توصیف تحلیلی جریانهای عمده رازی‌شناسی و طبقه‌بندی آنها است. ابتدا جریانهای گوناگون رازی‌شناسی را گزارش می‌کنیم؛ آنگاه طبقه‌بندی خاصی را پیشنهاد می‌دهیم. اگرچه سعی می‌کنیم همه جریانهای رازی‌شناسی را گزارش کنیم، اما در بیان مصادیق به ذکر نمونه‌های بیش‌وکم مهم و مؤثر بسنده می‌کنیم.

جریان نخست. اولین رازی‌شناس را باید خود رازی دانست. وی در معرفی خود دو رساله دارد: نوشتار نخست فهرستی از آثار او به نام *الرسالة الهادیة الی الفهرست* است. این فهرست را ابن ندیم (۲۹۷-۳۸۵ق) در *الفهرست* (ص ۲۹۹) می‌آورد و ابن قفطی (*اخبار الحکماء*) هم فهرست خود را از روی آن گزارش می‌کند. رازی همچنین در دفاع از خویش در برابر بدگوییهای بدخواهان رساله کوتاهی به نام *سیره فلسفی* نوشت. این رساله به زبانهای مختلف ترجمه شده است.

جریان دوم. فهرست‌نگاران تمدن اسلامی، از آثار رازی و به تبع آنها از برخی آرا و احوال وی سخن گفته‌اند؛ مانند ابن‌ندیم صاحب *الفهرست*، که به هنگام وفات رازی شانزده سال داشت، و ابوریحان بیرونی (متوفی ۴۴۰ق) که در رساله‌ای به گزارش آثار رازی و به پیوست آن گزارش آثار خود پرداخته است. رساله ابوریحان را پُل کراوس در سال ۱۹۳۶ در پاریس با عنوان *رساله ابوریحان فی فهرست کتب محمدبن زکریای رازی* به طبع رساند. روسکا قسمت آثار رازی آن را به زبان آلمانی ترجمه و در سال ۱۹۲۴ منتشر کرد. ابوریحان بیرونی با مقدمه‌ای کوتاه در زندگینامه و بررسی عقاید و اخلاق پژوهش رازی به گزارش آثار رازی پرداخته است. مهدی محقق این رساله به فارسی ترجمه کرده است (محقق ۱۳۷۴: ۱۶۲) این قفطی در *اخبار الحکما و ابن ابی اصیبعه* (متوفی ۶۶۸ق) از پزشکان قرن هفتم در *عیون الانباء فی طبقات الاطباء* به این جریان متعلق‌اند. این فهرست‌نگاری امروزه نیز ادامه دارد که به نمونه‌هایی از آن اشاره خواهیم کرد.

جریان سوم. تاریخ‌نگاران عمومی، طب و فلسفه در سده‌های سابق نیز به گزارش در باب رازی و جایگاه وی پرداخته‌اند. ابوداود سلیمان بن حسان اندلسی معروف بخل ابن جلجل در *طبقات الاطباء و الحکماء* (تألیف ۳۷۷ق) و ابوالقاسم مسلمة بن احمد المجریطی (متوفی ۳۹۸ق) در *تاریخ فلاسفة اسلام* و نیز در *غایة الحکیم* (ص ۱۴۴ و ۱۴۶) نمونه‌هایی از این جریان‌اند. نمونه دیگر ابن خلکان (۶۰۸-۶۸۱ق) در *وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان* است. گزارش رهیافت و ره‌آورد تاریخ‌نگاران، به‌ویژه مورخان فلسفه در خصوص رازی محتاج نوشتار دیگری است.

جریان چهارم. مهم‌ترین جریان رازی‌شناسی در روزگار گذشته، نقد و ردیه‌نویسی بر آثار و آرای رازی است. رازی خود منتقد حرفه‌ای بوده و بر آثار پیشینیان و معاصران خود نقد علمی فراوان نوشته است. وی همچنین گرایش به خلاف‌آمدی داشت و آرای خلاف جریان رایج فلسفی بیان می‌کرد و این دو امر سبب شد متفکران مسلمان از معتزلیان و فیلسوفان مشاء بر او نقد بنویسند. شهید

بلخی از معاصران رازی بود که با وی به چالش برخاست. در آثار فارابی و ابن سینا دیدگاه رازی گزارش و نقد شده است. تعبیر ابن سینا در رساله پاسخ به پرسشهای بیرونی نشانگر تلقی وی از مقام فلسفی رازی است: «المتکلف الفضولی المتکلم بها لا بعینه.» عمده‌ترین دیدگاه رازی که نزد فیلسوفان مشاء نقد شد، تعریف وی از لذت است. نقد فخرالدین رازی در آثار گوناگونش از انگاره رازی طیب از لذت، در غالب آثار پس از فخرالدین رازی تکرار شده است.

جریان پنجم. تکفیر رازی و نسبت دادن آرای کفرآمیز به وی از مشخصات جریان رازی‌ستیزی است. پرچمدار این جریان، دانشمندان اسماعیلی ابوحاتم رازی، معاصر رازی تا کرمانی و ناصر خسرو در سده‌های بعد بودند. آنان می‌گفتند رازی در خداواری صادق نیست و وحی و نبوت و معاد را انکار می‌کند. علاوه بر اسماعیلیان، برخی از جریانهای فلسفی چون ابن قیّم جوزی، رازی را به بددینی متهم می‌کردند. کسانی چون مرتضی مطهری در این اتهامات به دیده تردید می‌نگریستند و ریشه‌های آن را در حسدورزی و جنگ فرقه‌ای می‌انگاشتند. می‌توان تصور کرد که اسماعیلیان برای رفع سوءظن عالمان دین نسبت به خویش ملحدی را به مسلخ می‌کشیدند و رازی را آماج تهمت بددینی قرار می‌دادند.

در این میان ناصر خسرو نقش مهمی ایفا کرد. او که از موضع اسماعیلیان به نقد آرای رازی پرداخت، ابتدا گزارشی مفصل از آرای او را آورد. امروزه که بسیاری از رساله‌های فلسفی رازی چون *فی ماهیه اللذّة* از بین رفته است، تنها منبع اطلاع از آرای فلسفی و الهیاتی رازی گزارش ناصر خسرو است. پُل کراوس همین گزارشها را مبنای رساله‌های گمشده رازی قرار داد.

این پنج جریان را می‌توان با تعبیر فراگیر رازی‌شناسی سنتی در تمدن ایران اسلامی بیان کرد.

جریان ششم. آثار علمی رازی شامل *الحاوی*، *طب منصور*، و دیگر آثار پزشکی و داروسازی، به مغرب‌زمین رسید. اروپاییان ابتدا با آثار طبی و داروشناسی وی آشنا شدند. ترجمه لاتینی *طب منصور* مربوط به قرن دوازدهم

به نام *Ahmansoris Liber* به وسیلهٔ جراد اهل کریمونا، منبع مهم در آموزش پزشکی شد و کتاب نهم آن (*Liber nonus*) تا اواخر قرن شانزدهم در اروپا همچنان مورد استفاده بود (گودمن ۱۹۷۱). ترجمهٔ کتاب *الحاوی*، شامل یادداشتهای رازی در امور طبی، در حدود ۲۵ جلد به وسیلهٔ فرج‌بن سالم به سال ۱۲۷۹م پایان یافت و نخستین چاپ آن به سال ۱۴۸۶ در شهر بریسکا منتشر شد (تأثیر تاریخی این اثر در طب و داروشناسی را نک: کمپبل ۱۹۲۶: ۶۹/۱). علاوه بر *حاوی* و *طب منصور* دیگر آثار طبی رازی مانند *ملوکی*، *حصبه*، و *جدری* در همان دوره به زبان لاتینی ترجمه شدند. رازی‌شناسی در غرب به ترجمه، شرح و تلخیص آثار پزشکی و علوم تجربی به طور کلی، محدود بود. جریان هفتم. اروپاییان در دو دههٔ اخیر به شناخت اندیشه‌های فلسفی، الهیاتی و اخلاقی رازی پرداخته‌اند. در مرحلهٔ دوم رازی‌شناسی، سایر آثار رازی مورد توجه قرار گرفت. دوبروئر آلمانی سرآغاز تأمل در آثار و اندیشه‌های فلسفی و اخلاقی رازی در دورهٔ جدید است. پُل کراوس اهتمام وافر به شناخت، بازسازی و انتشار متن منقح از آثار فلسفی و اخلاقی رازی نشان داد. *رسائل فلسفی* رازی حاصل تلاش وی بود که به سال ۱۹۳۹م در قاهره منتشر شد. پُل کراوس تأثیر فراوانی در اقبال اروپاییان به شناخت اندیشه‌های فلسفی و اخلاقی رازی داشت. او را به حق می‌توان سرآغاز شناخت انتقادی حیثیت فلسفی رازی در جهان معاصر دانست. رانکینگ برای هفدهمین کنگرهٔ بین‌المللی طب در لندن به سال ۱۹۱۳ «زندگی و آثار رازی» را ارائه کرد. این نوشتار که به سال ۱۹۱۴ در لندن منتشر شد، نقش مهمی در توجه به سایر ابعاد اندیشهٔ رازی داشت و در دورهٔ جدید رازی‌شناسی مورد استفاده و ارجاع قرار گرفت. در این فهرست از روسکا، آربری، باتروث و گودمن، بار-اشر و دروات نیز باید نام برد که در معرفی رازی کوششهای فراوان کرده‌اند.

مطالعات جدید مغرب‌زمینیان در خصوص آرای فلسفی، دین‌شناختی، و اخلاقی رازی، را چند گونه می‌توان دانست: مقاله‌هایی در معرفی رازی و آرای

وی که غالباً در دایرةالمعارفها یا مجموعه‌های تاریخ فلسفه اسلامی منتشر شده‌اند. مقاله‌های روسکا، پینس و گودمن نمونه‌هایی از این دست هستند. گونه دوم تحقیقات معطوف به تصحیح و ترجمه آثار رازی به زبانهای اروپایی‌اند. پُل کراوس، آربری (مترجم طب روحانی به انگلیسی)، باتروت (مترجم سیره فلسفی به انگلیسی) در این مقام تلاش مؤثری داشته‌اند. قسم سوم تک‌نگاریهای معطوف به تحلیل آرای رازی در مسایلی چون علم‌النفس، اخلاقی و فلسفه الهی است. مقاله‌های متعدد گودمن، بار-اشر، ترزه دروات، واکر نمونه‌هایی از این گونه‌اند. مطالعات جدید مغرب‌زمینیان را در خصوص دیدگاه اخلاقی رازی در پایان همین فصل گزارش می‌کنیم.

رازی‌شناسی جدید در غرب، معطوف به آثار فلسفی و دین‌شناسی رازی، و به دلیل فاصله زبانی و فرهنگی، در مواردی، دارای رخنه و نقصان فراوان است. نمونه‌ای از آن فهم رانکینگ و روسکا از عنوان کتاب «فی أن اللطین المنتقل به منافع» رازی است که بر حسب خوانش المنتقل آن را به خاک مورد انتقال یا خاکی که از جالینوس نقل (گزارش) شده است، ترجمه کرده‌اند؛ در حالی که کسی که از فرهنگ خراسانی باخبر باشد، واژه را منتقل (گلی که از آن نقل می‌سازند) می‌خواند (نک: محقق ۱۳۷۴: ۳۲۴-۳۲۵ و ۳۳۹-۳۴۸).

جریان هشتم. برخی از دانشمندان عرب، به تبع پُل کراوس، به احیای رساله‌های گمشده رازی و تحلیل آرای فلسفی و اخلاقی وی روی آوردند. عبداللطیف محمد العبد رساله دکتری خود را به نام «فلسفه ابوبکر محمدبن زکریای رازی» در بخش فلسفه اسلامی دانشکده دارالعلوم دانشگاه قاهره به سال ۱۳۹۵ق/ ۱۹۷۵م دفاع کرد. وی رساله رازی به یکی از شاگردانش را تصحیح و به سال ۱۳۹۷ق/ ۱۹۷۷م به نام *اخلاق الطیب* منتشر کرد. آلبرت زکی اسکندر نیز محنة *الطیب* و تعیینه را از جلد بیست و سوم *حاوی تصحیح* و به سال ۱۹۶۰م منتشر کرد. عبدالرحمن بدوی در معرفی رازی و آرای وی، مقاله رازی را در تاریخ *فلسفه اسلامی* ویراسته م.م. شریف نوشت. و سرانجام، سید عبدالوهاب بخاری

به سال ۱۹۷۴م/الحاوی را منتشر کرد.

جریان نهم. رازی‌شناسی ایرانیان معاصر. محیط طباطبایی (۱۲۸۱-۱۳۷۰ش) را به یک معنا می‌توان سرآغاز معرفی رازی در دوره معاصر دانست. وی مقاله‌های متعددی را از دهه ۱۳۳۰ ش در کنفرانسها و نشریات به‌ویژه روزنامه ایران در معرفی آرا و آثار رازی ارائه کرد. در آثار وی به «زندگی محمدبن زکریای رازی» اشاره شده است (نصیری ۱۳۸۴: ۱۹۷/۵). محمود نجم‌آبادی، از پزشکان و محققان نام‌آور ایرانی، به پژوهش در زندگی و آثار رازی پرداخت. حاصل این تحقیقات انتشار دو اثر است به نامهای شرح حال و مقام محمد زکریای رازی پزشک نامی ایران (۱۳۱۸) و مؤلفات و مصنفات ابوبکر محمدبن زکریای رازی حکیم و طبیب بزرگ ایرانی (۱۳۳۹).

عبدالعلی علوی نائینی رساله فی امارات الاقبال و الدوله رازی را به نام بخت چیست؟ و نیکبخت کیست؟ به سال ۱۳۴۳ منتشر کرد. مهدی محقق سهم بیشتری در شناساندن رازی دارد. او نوشتارهای مختلف به فارسی، انگلیسی و عربی نوشته است. علی‌رغم برخی تکرارها، مجموعه این نوشتارها اطلاعات بسیار مفیدی را ارائه می‌کنند. اولین نوشتار وی مقدمه‌ای بر ترجمه عباس اقبال از سیره فلسفی (تصحیح پُل کراوس) شامل شرح حال، آثار و افکار رازی است که به سال ۱۳۴۳ منتشر شد و ۱۳۷۱ نیز تجدید چاپ گردید. مطالعات معطوف به همین نوشتار، محقق را به پژوهش در رازی سوق داد. مقاله‌های «آغاز علم طب و تاریخ آن تا زمان رازی» (۱۳۴۴)، «رازی در طب روحانی» (۱۳۴۵)، «شکوک رازی بر جالینوس و مساله قدم عالم»^۱ (۱۳۴۶)، کتاب علم الهی رازی و قدمای خمسه (۱۳۴۷)، «خاک نیشابور یا طین الاکل» (۱۳۴۷)، «مقام فلسفی محمدبن زکریای رازی» (۱۳۴۸) مطالعاتی بودند که در کتاب فیلسوف ری محمدبن زکریای رازی را به سال ۱۳۴۹ به میان آوردند. ترجمه رساله ابوریحان بیرونی در فهرست کتب رازی بار نخست در مجموعه بررسیهایی در باره بیرونی به سال ۱۳۵۲ منتشر کرد.^۲ ترجمه کتاب رازی در باره گل نیشابوری^۳ (۱۳۵۲) و

ترجمه رساله رازی در علت زکام ابوزید بلخی در فصل بهار هنگام بوییدن گل سرخ (۱۳۷۴) به انتشار کتاب مجموعه متون و مقالات در تاریخ و اخلاق پزشکی در اسلام و ایران (۱۳۷۴) انجامید.

محقق تلخیص، ترجمه و تحلیل طب روحانی رازی را به سال ۱۳۷۲ در تهران منتشر کرد و سپس *الدرسات التحلیلیه لکتاب الطب الروحانی* را به سال ۱۳۷۸ (چاپ مجدد ۱۳۸۴) منتشر کرد. این اثر فارسی، عربی و انگلیسی تحلیل محقق از *طب روحانی* را با متن مصحح پُل کراوس و تصویری از دستنویس *طب روحانی* (به شماره ۶۱۴۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران) در بر دارد. مقالات انگلیسی محقق بازنویسی برخی از مقاله‌هایی هستند که گزارش کردیم. مقاله «یادداشت‌هایی در طب روحانی رازی» در این میان مورد ارجاع رازی‌شناسان مغرب‌زمین قرار گرفته است. مطالعات محقق با تتبع فراوان، اطلاعات مفیدی در شناخت آثار رازی و موضع پسینیان در قبال آنها را به دست می‌دهد.

سید محمود طباطبایی دیگر رازی‌شناس پرکار ایرانی بوده است. او *الحاوی* رازی را به روش علمی و انتقادی تصحیح و با توضیحات مقایسه‌ای با طب و داروسازی جدید، به فارسی منتشر کرده است. از این دایرةالمعارف بزرگ ۲۵ جلدی تا کنون تنها سه مجلد منتشر شده است. طباطبایی منبع اصلی رازی، یعنی اثر مهم دیسکوریدس، را نیز احیا کرده است.^۴ مقاله‌های مختلف طباطبایی در مقایسه آرای پزشکی رازی در مباحثی چون سردرد (۱۳۸۸)، چشم پزشکی (۱۳۸۸)، کالبدشکافی (۱۳۸۹) منتشر شده‌اند. مقاله «برخی از معیارهای اخلاق پزشکی از دیدگاه محمدبن زکریای رازی» (۱۳۸۷) بررسی آموزه‌های اخلاق پزشکی در *الحاوی* رازی است. کتاب *مختصر حکیم رازی* (حکمت طبیعی و نظام فلسفی محمدبن زکریای رازی صیرفی) به قلم پرویز سپیتمان (اذکایی)، منتشر شده به سال ۱۳۸۴ نیز نمونه‌ای از رازی‌شناسی ایرانیان معاصر را نشان می‌دهد.

علاوه بر آنچه در گزارش مطالعات ایرانیان در رازی‌شناسی بیان شد، دو گونه دیگر نیز قابل گزارش است: مرتضی بحرانی در مقاله «نظریه سیاسی

زکریای رازی» (۱۳۹۰) با نگاه انتقادی به مقاله واکر در الزامات سیاسی فلسفه رازی تلاش می‌کند تا دیدگاه سیاسی رازی را به دست آورد. مقاله‌های «نظریه انسان سالم در نظام اخلاقی رازی» (۱۳۸۹) و «بررسی تطبیقی عجب نزد رازی و غزالی» (۱۳۹۰) از احد فرامرز قراملکی دو نمونه از مطالعه در نظریه اخلاقی رازی است. این مطالعه با حمایت پژوهشگاه علوم انسانی انجام می‌شود و در سه بخش معرفی رازی و سهم وی در اخلاق پژوهی، تحلیل مبانی و ویژگیهای نظریه اخلاقی رازی و بیماریهای نفس منتشر خواهد شد.

رهیافتهای عمده در رازی‌شناسی

جریانهای نُه‌گانه رازی‌شناسی را می‌توان در چهار رهیافت عمده طبقه‌بندی کرد: رهیافت نخست، رویکرد دانشمندان مسلمان در تمدن اسلامی به رازی و آثار و آرای رازی است و شامل معرفی رازی، زندگینامه وی، فهرست آثار به طور کامل و نقد آرای رازی در مسائل الهیاتی می‌شود. رهیافت دوم، رازی‌شناسی در سنت مغرب‌زمین است که به ترجمه و شناخت آثار طبی و داروسازی رازی محدود می‌شود. رهیافت سوم، تلاش دانشمندان مغرب‌زمین، و به تبع آنان دانشمندان عرب، در تصحیح و ترجمه و تحلیل آرای فلسفی و اخلاقی رازی است. رهیافت چهارم، پژوهش ایرانیان معاصر است. این پژوهش شامل معرفی رازی و آثار وی در همه زمینه‌ها و ترجمه آثار پزشکی و فلسفی و تحلیل دیدگاه رازی می‌شود.

جدول یک، رهیافتهای گوناگون رازی‌شناسی

ردیف	رویکرد	جهت‌گیری
۱	رهیافت سنتی دانشمندان مسلمان	فهرست‌نگاری آثار اندیشه‌های الهیاتی و دین‌شناختی
۲	رهیافت سنتی در غرب	ترجمه، تلخیص و آثار و آرای علمی: پزشکی و داروسازی
۳	رهیافت جدید در غرب	تصحیح و ترجمه اندیشه‌های فلسفی، الهیاتی و اخلاقی
۴	رهیافت ایرانیان معاصر	فهرست‌نگاری آثار، گزارش و تحلیل آثار و آرای رازی در علوم مختلف

مطالعات معطوف به دیدگاه اخلاقی رازی

اهتمام پُل کراوس در تصحیح، احیا و بازسازی رساله‌های فلسفی و اخلاقی محمدبن زکریای رازی، به‌ویژه دو اثر مهم وی، طب روحانی و سیره فلسفی، آغازگر مطالعات نظام‌مند در معرفی و تحلیل دیدگاه اخلاقی رازی است. ترجمه انگلیسی دو اثر مهم رازی در اخلاق، یعنی ترجمه آبروی از طب روحانی و ترجمه باتروث از سیره فلسفی، و نیز ترجمه و توضیحات دوبوئر و کراوس به زبانهای هلندی و فرانسوی، دانشمندان مغرب‌زمین را به مطالعه آرای اخلاقی رازی فراخواند. این مطالعات را به دو گروه می‌توان تقسیم کرد: مطالعاتی که در ضمن تحلیل آرای رازی، به بحث از دیدگاههای اخلاقی وی نیز می‌پردازند. گروه دوم مطالعات مستقل در تحلیل نظریه اخلاقی رازی‌اند. برخی از مطالعات در این باب را معرفی می‌کنیم.

یک. مهدی محقق، «یادداشت در باره طب روحانی رازی» (۱۹۶۷). این مقاله مورد ارجاع فراوان قرار گرفته است. نویسنده مطالعات خود را در این مقام

تکمیل و به صورت *الدرسات التحلیلیة للطب الروحانی* (۱۳۷۸) منتشر کرد. جهت‌گیری کتاب مرور بر طب روحانی و بررسی برخی از منابع آن است و از مقدمه مصحح، پُل کراوس، بهره‌ فراوان برده است.

دو. لن ایون گودمن، «اخلاق اپیکوری محمدبن زکریای رازی» (۱۹۷۱). گودمن در این مطالعه فرضیه‌ اپیکوری بودن نظریه اخلاقی رازی را به میان می‌آورد. اگرچه در این مطالعه به سیره فلسفی ارجاع شده است، اما فرضیه گودمن، صرفاً بر اساس طب روحانی تایید شده است. در فصل هفتم این نوشتار با نقد فرضیه گودمن نشان خواهیم داد که تصویر وی از نظریه اخلاقی رازی تحویلی‌نگر است زیرا دیدگاه اخلاقی رازی اگرچه از عناصر اپیکوری برخوردار است، اما آن بسی فربه‌تر و تکامل‌یافته‌تر از نظریه اخلاقی اپیکوریسم است.

سه. دکتر عبداللطیف محمد العبد رساله دکتري خود را در فلسفه محمدبن زکریای رازی در دانشگاه قاهره در سال ۱۹۷۵م دفاع کرد. او نامه زکریای رازی به یکی از شاگردانش را که در بر دارنده نکات مهم در اخلاق پزشکی است، تصحیح و به نام *اخلاق الطیب* منتشر کرده است. در فصل پنجم این اثر را معرفی خواهیم کرد.

چهار. میر م. بار- اشر، «ابعاد اخلاق ابوبکر رازی و ریشه‌های آن در آثار جالینوس» (۱۹۸۹). اشر با مروری بر دیدگاههای اخلاقی رازی و جستجو از ریشه‌های جالینوسی آن، داشتن دو گونه دیدگاه اخلاقی متخالف در طب روحانی و سیره فلسفی را به رازی نسبت می‌دهد. وی فرضیه ارتباط تکاملی بین این دو رساله را نفی می‌کند.

پنج. ترزه- ان دروارت، «رازی و اخلاق هنجاری او» (۱۹۹۳). خانم دروارت مطالعه پیش‌گفته اشر را نقد می‌کند و با تحلیل نظریه اخلاقی رازی در پرتو اندیشه‌های فلسفی و الهیاتی وی، انسجام بین طب روحانی و سیره فلسفی را نشان می‌دهد و از ارتباط تکاملی بین این دو رساله بر حسب دو گونه کاربران علم اخلاق پیش از آموزش فلسفه و پس از آموزش فلسفه بحث می‌کند. خانم

دروارت همچنين ارتباط نظريه اخلاقي رازي با نظريه وي در اوصاف باري تعالي نشان مي دهد كه چگونه اوصافي چون حكمت، رحمت، و علم باري تعالي نظريه اخلاقي رازي را نشان مي دهند. دروارت به نقد گودمن تصريح نمي كند، اما اين سخن وي تلقي ابيكوري از نظريه اخلاقي رازي را به چالش مي خواند.

شش. همو، «مفهوم رازي از نفس: پيشينه روانشناسي از اخلاق او» (۱۹۹۶).

هفت. همو، «اخلاق رازي (۸۶۵-۹۲۵)» (۱۹۹۷).

هشت. خانم سارا استروما، در كتاب *آزاداندیشان مسلمان در قرون وسطي*، مقاله «ابوبكر رازي، آزاداندیش قابل احترام» را نوشت (۱۹۹۹).

نه. لن ايون گودمن، «رازي و ابيكور» (۱۹۹۹).

۵۵. پ. آدامسن در كتاب *در روزگار فارابي: فلسفه عرب در سده چهارم تا دهم* به ويرايش خود وي، مقاله اي را با نام «لذت افلاطوني نزد ابيكور و رازي» آورده است (۲۰۰۸).

يازده، مقاله «ابوبكر الرازي و اخلاق طبي» از حسين كرامان (۲۰۱۱).

مقاله «روانشناسي رازي» (۱۹۷۲) نوشته گودمن نیز متضمن مطالعاتي در همين راستا است.

دوازده. سيد محمود طباطبائي، «برخي معيارهاي اخلاق پزشكي از ديدگاه محمدبن زكرياي رازي» (*مجله ايراني اخلاق و تاريخ پزشكي*، ش ۲، بهار ۱۳۸۷، ص ۱-۶).^۵ طباطبائي اخلاق پزشكي را در دو موضوع پژوهش پزشكي و درمان نزد رازي رصد مي كند. او بررسيهاي تطبيقي را در اين موضوع بين رازي و ابن سينا انجام داده كه تا كنون منتشر نكرده است.

سيزده. احد فرامرز قراملكي، «نظريه انسان سالم در نظام اخلاقي رازي» (۱۳۸۹).

چهارده. همو و س. سلمان ماهيني، «بررسي تطبيقي عجب نزد رازي و مولوي» (۱۳۹۰).

پانزده. همو، «خوشناسي نزد رازي» (۱۳۹۰).

شانزده. همو و سيده زهرا حسيني، «مرگ هراسي نزد رازي و مولوي» (۱۳۹۰).

هفده. همو، «چالش مولوي با رازي در عشق و دوستي» (۱۳۹۰).

پی‌نوشتها

۱. رسالة الشكوك بار ديگر در مجله تاريخ العلوم العربيّة (ج ۹، ص ۱-۲) در حلب به سال ۱۹۹۱م منتشر شد و با مقدمه فارسی، عربی و انگلیسی به صورت کتاب به سالهای ۱۳۷۲ و ۱۳۸۵ انتشار یافت.
۲. این رساله به پیوست المشاطة لرسالة الفهرست غضنفر تبریزی در ۱۳۶۶ دوباره چاپ شد.
۳. این رساله در مجموعه متون و مقالات در تاریخ پزشکی در اسلام و ایران مجدداً منتشر شد.
۴. طباطبایی دو ترجمه حنین بن اسحاق و مهران بن محمد بن مهران را تصحیح و آن را به فارسی ترجمه کرده است. انتشار مجموعه کامل کتاب دیسقوریدس و الحاوی رازی تحویلی در مطالعات تاریخ پزشکی و احیای میراث علمی در تمدن اسلامی پدید خواهد آورد.
۵. صورت نخست این مقاله در کنگره اخلاق پزشکی کاربردی ارائه شده که خلاصه آن در خلاصه مقالات کنگره در سال ۱۳۸۵ از طرف جامعه پزشکی خراسان رضوی منتشر شده است.

منابع

- ابن ابی‌اصیبعه، عیون الانبأ فی طبقات الاطباء، بیروت، ۱۹۶۵م.
- ابن ندیم، الفهرست، ترجمه و تحقیق محمدرضا تجدد، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶.
- بحرانی، مرتضی، ۱۳۹۰، «زکریای رازی»، اندیشه سیاسی متفکران مسلمان، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- رازی محمد بن زکریا، «رساله فی مائیه اللذة»، رازی، السیرة الفلسفیه.
- _____ السیرة الفلسفیه، به تصحیح و مقدمه پل کراوس، ترجمه عباس اقبال، نویسنده شرح احوال و آثار و افکار: مهدی محقق، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.
- _____ «گل خوردن یا گل نیشابوری»، در مجموعه متون و مقالات در تاریخ و اخلاق پزشکی در اسلام و ایران، به کوشش محقق مهدی، تهران، سروش، ۱۳۷۴.
- _____ الطب الروحانی، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران و دانشگاه مک گیل، ۱۳۸۶.
- سپینمان (اذکایی)، پرویز، ۱۳۸۴، حکیم رازی، تهران.

- طباطبایی سید محمود، ۱۳۸۷، «برخی معیارهای اخلاق پزشکی از دیدگاه محمدبن زکریای رازی»، *مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی*، س ۱، ش ۲، بهار، ص ۱-۶.
- طباطبایی سید محمود و کلاترهرمزی، عبدالجلیل، ۱۳۸۸، «مطالعه تطبیقی سردرد از کتاب الحاوی و اصول نوین پزشکی»، *پژوهش در پزشکی*، دوره ۳۳، ش ۱، بهار، ص ۱-۴.
- _____، ۱۳۸۹، «نگرشی بر دانش کالبدشکافی در متون طب سنتی»، *پژوهش در پزشکی*، دوره ۳۴، ش ۲، تابستان، ص ۷۹-۸۵.
- _____، ۱۳۹۰، «بنیادهای اخلاق پزشکی از دیدگاه متون اسلامی و مفاخر پزشکی ایران»، *پژوهش در پزشکی*، دوره ۳۵، ش ۱، بهار، ص ۱-۶.
- طباطبایی سید محمود، کلاترهرمزی، عبدالجلیل، و صداقت، محمدرضا، ۱۳۸۸، «چشم‌پزشکی از کتاب الحاوی رازی و مقایسه آن با دانش نوین پزشکی»، *پژوهش در پزشکی*، دوره ۳۳، ش ۲، تابستان، ص ۵۹-۶۳.
- فرامرز قراملکی، احد، ۱۳۸۹، «نظریه انسان سالم در نظام اخلاقی رازی»، *انسان‌پژوهی دینی*، دوره ۷، ش ۲۴، ص ۱۹-۳۳.
- _____، ۱۳۹۰، «بررسی تطبیقی عجب نزد رازی و غزالی»، *پژوهش‌نامه اخلاق*. ناصر خسرو، *زادالمسافرین*، تصحیح محمد بذل‌الرحمن، برلین، ۱۳۴۱ق.
- محقق، مهدی، ۱۳۷۴ الف، «مقام علمی محمدبن زکریای رازی»، *مجموعه متون و مقالات در تاریخ و اخلاق پزشکی در اسلام و ایران*، تهران، سروش.
- _____، ۱۳۷۴ ب، «رسالة بیرونی»، *مجموعه متون و مقالات در تاریخ و اخلاق پزشکی در اسلام و ایران*، تهران، سروش.
- _____، ۱۳۷۸، *الدراسة التحلیلیة لکتاب الطب الروحانی للطیب الفیلسوف محمدبن زکریای رازی*، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران و دانشگاه مک گیل.
- _____، ۱۳۸۷، *فیلسوف ری*، محمدبن زکریای رازی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. مطهری مرتضی، *مجموعه آثار*، ج ۱۴، تهران، صدرا.
- نصیری، محمدرضا، ۱۳۸۴، *اثر آفرینان (زندگینامه نام‌آوران فرهنگ ایرانی از آغاز تا سال ۱۳۰۰ هجری شمسی)*، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- Adamson, P., 2008, "Platonic Pleasures in Epicurus and al-Razi," ed. P. Adamson, *In the Age of al-Farabi: Arabic Philosophy in the 4th /10th*

Century, London.

Arberry, A. J., 1950, *Al-Rhazes, the Spiritual Physics*, London, John Murray.

Bar-Asher, M. M., 1989, "Quelques aspects de l'éthique d'Abû Bakr al-Râzî et ses origines dans l'oeuvre de Galien," *Studia Islamica*, no. 96, pp. 5-38, no.70, pp. 130-147.

Butlerworth, Ch. E., 1993, "The Book of the Philosophical Life," *Interpretation*, no. 20, pp. 227-239.

Campbell, D., 1926, *Arabian Medicine and Its Influence on the Middle Ages*, London.

De Boer, 1920, "Medicina Mentis, Van Den Arts Razi Mededeelin gender konink lijke Akademie, Wetters Tapper, Afdeeling Letter Kunele, Amsterdam.

Druart, T. A., 1993, "Al-Razi (Rhazes) and Normative Ethics," *Tradition and Renewal*, vol. 2, ed. D. A. Bolieau and J. A. Pick, Lonvain, Leuven University Press.

—————, 1996, "Al-Razi's Conception of the Soul: Psychological Background to His Ethics," *Medieval Philosophy and Theology*, USA, vol. 5, pp. 245-263.

—————, 1997, "The Ethics of al-Razi (865-925)," *Medieval Philosophy and Theology*, no.6, pp. 47-71.

Goodman, L. E., 1971, "The Epicurean Ethics of Mohammad Ibn Zakariyâ al-Razî," *Studia Islamica*, no. 34, pp. 5-26.

—————, 1972, "Râzî's Psychology," *Philosophical Forum*, no. 4, pp. 26-48.

—————, 1999, "Râzî and Epicurus" *Jewish and Islamic Philosophy: Crosspollination in the Classic Age*, Edinburg University Press, pp. 35-66.

Karaman, H., 2011, "Abu Bakr Al-Razi (Rhazes) and Medical Ethics," *Ondokuz Mayls Universitesi*, sayl 30, pp. 77-87.

Mohaghegh, M., 1967, "Notes on the 'Spiritual Physis' of Al-Râzî," *Studia Islamica*, no. 26, pp. 5-22.

- , 1972-73, "Razi's Kitab al-Ilm al-Ilahi and the Five Eternals," *Aber Nahrain*, Leiden.
- , 1976, "Notes on the Spritual Physics by al-Razi," *Studia Islamica*, vol. 26, Paris.
- , 1979, "Notes on Biruni's Fihrist," *al-Biruni Commemoration Volume*, Karachi.
- , 1999, "Moral Philosophy or Spiritual Medicine in Islam", *Studies in History of Medicine & Science*, vol. XVI, no.1-2.
- Pines, S., 1936, *Beiträge zur islamischen Atomenlehre*, Berlin.
- Ruska, J., 1924, "Al-Biruni als Quelle Für das Leben Uni dei Schriften al-Razi's," *Isis*, vol. 5, pp. 26-50.
- Strouma, S., 1974, "The Title of a Work by Razi with Reference to al-Tin al-Nishaburi," *Proceedings of the XXIII International Congress of the History of Medicine*, London.
- , 1988, "The Kitab al-Shukuk al-Jalinus by Razi," *Medical Journal of the Islamic Republic of Iran*, vol. 2, no. 3, Tehran.
- , 1999, "Free Thinkers of Medieval Islam: Ibn Al-Rawandi, Abu Bakr Al-Razi and Their Impact on Islamic Thought," Leiden etc., pp.87-120.
- Walker, P., 1992, "The Political Implications of al-Razi's Philosophy", *The Political Aspects of Islamic Philosophy*, ed. C. Butterworth, Harvard University Press, pp. 62-69.